

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۱/۱۳

نویسنده: ن. جلیل زاد

ستایش نسل اول صادقان وطن و پیمان با نسل فردا



هم وطنان عزیز، فرزندان این خاک کهن، وارثان رنج و امید، امروز در برابر شما ایستاده ام تا از یک قرن تاریخ سخن بگویم، قرنی که همچون رودخانه ای خروشان، گاه زلال و روشن، گاه گل آلود و خونین، از دل کوهستان های ما گذشته و بر روح و روان این ملت نقش زده است. قرنی که در آن، ستارگانی درخشیدند و سایه هایی سنگین بر ما افتاد، قرنی که در آن، وطن ما هم اوج را دید و هم سقوط را، هم شکوه را تجربه کرد و هم ویرانی را. اما در میان این همه فراز و فرود، یک حقیقت همچون کوه پابرجاست:

افغانستان هرگز از پانیتاد، زیرا فرزندان صادقش هرگز پشت به وطن نکردند. اجازه دهید از همان آغاز روشنایی سخن بگویم، از روزگاری که غازی امان الله خان و یاران دانشمند اش، با قامتی استوار و قلبی آتشین، استقلال افغانستان را نه تنها در میدان جنگ، بلکه در میدان اندیشه و سیاست تثبیت کردند. او و یاران دانشمند و آزادیخواش، بیرق آگاهی و پیشرفت را در سرزمینی برافراشتند که قرن ها در سایه جهل و استبداد نفس می کشید.

آنان نخستین جرقه های بیداری بودند، نخستین کسانی که به ما آموختند وطن تنها خاک نیست، شرف است، هویت است، آینده است.

پس از او، نسل اول صادقان وطن برخاست، نسلی که در مکتب شرافت و صداقت پرورش یافته بود. آنان نه به دنبال مقام بودند و نه تشنه ثروت. آنان فرزندان راستین این خاک بودند، زنان و مردانی که در سکوت و وقار، در تواضع و فروتنی، در صداقت و شجاعت، بار سنگین ساختن یک کشور را بر دوش کشیدند. آنان باور داشتند که افغانستان می تواند آزاد، آباد، مرفه و هم پای جهان مدرن باشد. و برای این باور، بی هیچ چشم داشتی، جان و جوانی خویش را در طبق اخلاص گذاشتند.

این نسل، نسلی بود که در برابر استعمار ایستاد، در برابر جهل جنگید، در برابر فقر و عقب ماندگی مبارزه کرد. آنان ستون هایی بودند که سقف وطن بر شانه های شان استوار بود. آنان چراغ هایی بودند که در تاریکی راه را روشن کردند. آنان زنان و مردانی بودند که اگرچه امروز در میان ما نیستند، اما روح شان در رگ های وطن جاری است. روان شان شاد و یادشان گرامی باد.

اما تاریخ، همیشه بر مدار عدالت نمی چرخد. پس از این دوران درخشان، افغانستان وارد مرحله ای شد که می توان آن را «عصر لغزش های بزرگ» نامید.

طی ۴۸ سال گذشته، نسلی بر کشور حاکم شد که نه ریشه در فرهنگ مدنی داشت و نه تربیت سیاسی. این نسل، نه از مکتب وطن دوستی آمده بود و نه از مکتب خدمت. آنان محصول بحران ها، جنگ ها، دخالت های خارجی و فروپاشی نهادهای ملی بودند، نسلی که به جای ساختن، ویران کرد، به جای خدمت، چپاول کرد، به جای صداقت، فریب آورد، و به جای وطن دوستی، وطن فروشی را رواج داد.

در دستان این نسل، پول بسیار گذاشته شد، پولی که باید صرف عمران، آموزش، بهداشت و توسعه کشور می شد، اما به ابزار فساد، غارت و مردم آزاری تبدیل گردید.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په ځیر و لولی

آنان نه تنها میراث دو سه نسل وطن دوست را نابود کردند، بلکه فرصت طلایی یک دوره تاریخی را نیز به هیچ مبدل ساختند. دوره ای که می توانست افغانستان را از ویرانی به سوی بازسازی و پیشرفت هدایت کند. این نسل، با بی عرضگی و بی کفایتی، با تنگ نظری و خشونت، با جهل و تعصب، افغانستان را به پرتگاهی کشاند که هنوز هم آثار آن بر پیکر وطن باقی است. رهایی از شر این نسل، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت تاریخی است، ضرورتی که بدون آن، هیچ پروژه ملی، هیچ اصلاح ساختاری و هیچ آینده روشن ممکن نخواهد بود. اما در دل این تاریکی، نوری تازه طلوع کرده است، نسل جوان امروز. نسلی که درس خوانده، آگاه، متعهد و جسور است. نسلی که نه اسیر تعصب است و نه برده گذشته. آنان با شجاعت وارد میدان شده اند و هر روز صدای شان رساتر می شود. این نسل، برخلاف نسل های پیشین، جهان را می شناسد، ارزش های مدرن را می فهمد، و می داند که وطن تنها با عدالت، آزادی، قانون و دانش ساخته می شود. امید ما به آینده، امید ما به رهایی، امید ما به بازسازی وطن، همه و همه در دستان همین نسل است. جوانان وطن، شما وارثان رنج و امید هستید. شما فرزندان نسلی هستید که برای آزادی جنگید، برای شرافت ایستاد، برای عدالت جان داد. امروز نوبت شماست که بیرق را بردارید و راه را ادامه دهید. شما باید بدانید که وطن با شعار ساخته نمی شود، با کار ساخته می شود، با دانش ساخته می شود، با فداکاری ساخته می شود. شما باید بدانید که آینده افغانستان در دستان شماست، آینده ای که می تواند روشن باشد، اگر شما روشن باشید. اما در کنار این امید، یک مسئولیت بزرگ نیز بر دوش ماست: حفظ یاد و میراث نسل اول صادقان وطن. آنان تنها بخشی از تاریخ نیستند، آنان بخشی از هویت ما هستند. آنان به ما آموختند که وطن دوستی یعنی صداقت، یعنی شرافت، یعنی خدمت. آنان به ما آموختند که وطن را نمی توان فروخت، نمی توان معامله کرد، نمی توان قربانی جاه طلبی کرد. آنان به ما آموختند که وطن، مادر است، و مادر را تنها می توان دوست داشت، نه غارت کرد. امروز، در این لحظه خطیر، ما باید پیمان ببندیم، پیمانی با گذشته، پیمانی با آینده، پیمانی با وطن. باید بگوییم: ما راه صادقان را ادامه می دهیم. ما وطن را از چنگال نسل بی عرضه و ناروا رها می کنیم. ما افغانستان را دوباره می سازیم. و این پیمان، تنها با سخن نیست، با عمل است. با اتحاد است. با آگاهی است. با شجاعت است. با فداکاری است. با ایمان به این حقیقت که افغانستان، با همه زخم هایش، هنوز ارزش جنگیدن دارد، هنوز ارزش ساختن دارد، هنوز در پایان، اجازه دهید بار دیگر سر تعظیم فرود آوریم در برابر بزرگان نسل اول صادقان وطن، آنان که عمرشان را وقف مردم کردند، آنان که شرافت را به میراث گذاشتند، آنان که چراغ راه ما شدند. روان شان شاد، یادشان گرامی، و راهشان جاودان باد. و اکنون، خطاب به نسل امروز: برخیزید. بیرق را بردارید. وطن منتظر شماست.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد